

فیس سالانه (می نویسد رافق با خط زرین آسمان) مدیر
 دارالسلطنه کابل ۷ (پادرافغان مبارک دوره امن وامان) (سید محمد قاسم)

امثال و معانی

الذی انما

دماظان کابل
 (همه امورات تحریریه)
 (به اذاره خانه)

رویه کابل
 دارالاسان داخله مملکت
 ۹۴۰ روپیه کابل
 دارعلا مملکت
 ۱۵۲ روپیه کابل
 (هر هفته یکبار)
 (نشر میشود)
 (اوزال که درج نشود)
 (اوله میشود)

دربین جریده از مگر کونه علوم و وقایع سیاسی (بنام مدیر)
 و منافع دولتی و فوائد ملتی بحث میشود (فرستاده میشود)

تاریخ شمسی ۱۵ حوت ۱۳۰۱ شمسی مطابق ۱۸ رجب ۱۳۴۱ قمری
 تاریخ انگریزی ۵ مارچ ۱۹۲۳ عیسوی

نمبر صفحات	فهرست مندرجات	نمبر شمار
[۲]	جشن خصوصی یخبین سال استقلال	۱
[۴]	سیاسی ، بین النهرین و انگلیس	۲
◀ حوادث داخلی ▶		
[۷]	تاسیس مکتب -	۳
[۸]	دزدی - ایضا ۵ پروگرام دوره اعلی حضرت در سمت مشرفی	۴
[۹]	ورود آقای غلام محمد خان -	۵
[۱۰]	انحلال مشرفی ۸ ورود وزارتها از جلال آاد بکابل -	۶
[۱۱]	توخ نامه مواد خوردنی -	۷
◀ حوادث خارجی ▶		
[۱۲]	زبیه و متفقین -	۸
[۱۴]	قراله و جرمنی ۱۲ مصر -	۹
[۱۴]	مصلین بخارائی در اروپا -	۱۰
[۱۵]	مکتوب از لسان -	۱۱
[۱۷]	مقاله محسوسه -	۱۲
[۱۸]	اخلاقیات -	۱۳

بسم الله الرحمن الرحيم

(جشن خصوصی پنجمین سال استقلال)
 افغانستان که فطرتاً يك مملکت
 آزاد طبیعی است ، و سرشت اهالی آن
 از حیث و حریت تخمیر یافته است بشابر
 انقلابات زمان و خود غرضهای استعمار یون
 انگلستان از جنسی با بنظر طرف نشو و نما
 سیاسی و ارتقای حیاتی و تمدنی آن تحت
 فشار يك قوه استبدادی اجنبیه آمده
 نمیتوانست علم سر بلندی بر افرازد و در
 میدان مبارزه حیات خود را برابر حریفان
 سازد . این حال دولت افغانستان تا آخر
 روز هشتم حوت (۱۲۹۰) دوام ورزیده
 روز نهم حوت سنه مذکور فرزند شور
 افغانستان اعلیحضرت امیرامان الله خان
 بر تخت فروروز تخت سلطنت سنیه افغانیه
 قدم گذاشت و بهمت مسلمانان و حمیت افغانی
 فشار آن قوه استبدادی اجنبیه را از سر
 ملای و ملت برداشت ، چنان که هنگام
 تکان بر سر بر جهان داری اول کلمه بزرگ
 و قدسیکه در کمال دلیری و جرأت بحضور
 ارکان دولت و اعیان ملت به اظهار آن
 مبادرت ورزیدند این بود : « به عموم

اهالی افغانستان خاطر نشان و بسازدول
 عالم اعلان مینمایم که از همین ساعت بعد
 افغانستان در همه امور و شیون داخلی
 و خارجی خود يك دولت آزاد و مستقل
 مطلق است ، و ملت افغانستان هشیار
 و بیدار گردیده و قدم به شاه راه نرفی
 و جوانان نهاده ، از احتیاج حمایت و وصایت
 و وکالت غیر مستغنی گشته نمیشود که
 در حقوق آزادی و استقلالش کسی دست
 درازی نماید ، و آن که این معنی قبول
 ندارد اینک میدان و شمشیر »

چون که درین روز سعادت اندوز
 ابواب رحمت و سعادت بروی ملت و دولت
 افغانستان گشاده گشته و از مخاطره هلاکت
 نجات یافته قدم به وادی حیات تازه
 گذاشته کوک اقبال آن از افق شوکت
 و جلال طلوع نموده استقلال و آزادی
 خود را به عالم اعلان فروده ، این روز
 مبارک ترین روز های تاریخ افغانستان
 و مسعود ترین ایام حیات ملی ما افغانیان
 است ، لهذا هر سال به شب دهم حوت
 جهت تذکار آن روز مبارک و مسعود
 در همه بلاد افغانستان يك جشن ملی
 خصوصی که همه مأمورین دولت و اعیان
 ملت با آن دعوت میشوند المقادیر میباید
 و از تاریخ ۲۶ اسد تا ۲ سنیه که مقارن

بدان ایام ، افغانستان به قربان کردن
 جوانان آزادی و استقلال خود را بزور
 شمشیر برداشتن آن تسلیم نمود یک جشن
 عمومی استقلال در کمال شکوه و جلال که
 بلا امتیاز ، جنود اهالی دران شرکت
 می ورزند ، تشکیل می یابد اینک به لیل
 پنجمین (۱۵) حوت جشن خصوصی
 پنجمین سال استقلال افغانستان اجرا یافت
 روز چهارشنبه (۹) حوت از طرف
 (قوماندانی افغانیه) ولایت کابل و رفق
 های دعوت به نام سائر مأمورین ملکی و
 مصلحان نظامی و عموم اعیان و کلان
 شونده کان جهت اشتراک باین جشن
 مبارک تفریح شده بود ، به ساعت (۹)
 شام همان روز همه دعوت شده کان بسلام
 شاه طم اجتماع ورزیدند و قتیکه حضرات
 حاضرین بر کرسی آرام گرفتند (و سج
 ناله صاحب ایالت کابل به پا ایستاده ،
 راجع به خصمهای بزرگ اعلیحضرت
 سلطنت به ملت و وطن ، و بیرونی خیالات
 طالبان شاعانه شان و اهمیت تشکیل ایالت
 کابل لطف نمودند ازان بعد (ش)
 بعد از چند خان کنندگ مشر شرح مختصری
 در باب استقلال و تکلیفاتی آن بیان
 کردند .

باجمله بقرار معهود مجلس فرحت
 و سرور از اذانه تا ساعت (۱۲) دوام
 داشت موزیکها و نواهای شیرین و لاله
 های مدرت آ آیین می نواختند میزهای
 میوه های تازه و شیرینی های با مزه بجای
 و کلمچه فراوان بوده هر کس هر جا حسب
 میل خود نشسته از هر چه میخواست تناول
 میکرد درین رسم نان خوری نیز همین
 جا اجرا یافت . بعد از ساعت (۱۲)
 مجلس تمام شد ، مراسم بخانه خود رفت
 (امان افغان) این جشن مبارک را
 که يك عید بزرگ ملی است همه
 برادران خود نهیت و تبریک می گوید
 لله الحمد که ملت محبیه و شایسته افغانستان
 را سعادت مساعدت نموده بزرگ این جشن
 میمون و عید سعادت نمون پنجمین سال
 استقلال مسرور و مینهج گردیدند در این
 روز سعادت اندوز قلوب جمله کی چنان
 مملو از شکر و شفق است که هیچ ملتی را
 یاری برابری با ما نیست لهذا بعد از ادای
 شکر بدرگاه آلهی از بارگاه الوهیت نیاز
 می کنیم که ذات حمیده صفات اسلامیان
 پناه اعلیحضرت امیرامان الله خان پادشاه
 غیور رؤف ماملت افغان را که در عالم
 اسباب مسبب این سعادت و خوشبختی
 هست و الا نعمت ایشان است در همه سعادت

و کامکاری و بر سر سلطنت و جهان‌داری
سالهای دراز مستقر و مستدام دارد
و در سایه مرحمت آیه شان از همه جشن
های بزرگ ملت افغان همه وقت مسرور
و معظوظ باد .

سیاسی

(بین‌النهرین و انگلیس)

انگلیس با ملت عراق مازی کرد
همچنان که بسیار مستعمرات خود مازی
کرده و ماهازی های سیاسی خود ملل یادی
را در زیر سلاسل عبودیت خود نگاه
داشته است . در اژدها جنگ بین المللی که
هنوز سلطه عثمانی بر بین‌النهرین باقی بود
بنوید استقلال و برداشتن قیود تسلط
و قیمومیت ترکها بک دسته زیادی از
آزادی خواهان و جاه طلبان را با خود
مراه نمود بعد از آنی که عثمانی در نتیجه
خیزات عشایر ساده لوح و احرار نادان
و جاه طلبان خائن ، در بین‌النهرین شکست
های سیاسی و بر عقب آن شکست های
نظامی خورده و بیرون رفت ؛ و سلطه
انگلیس بایک قیافه عبوس تر بر جای آن
مستقر گردید احرار و عشایر ساده لوح
عراق متوجه ضبط خود شده و ملحق
شدند بآن دستجاتی که یاد نتیجه تمایلات
سلطه عثمانی و یا از لحاظ مخالفت با اجانب

بر ضد انگلیسها بودند - دسته ملیون
قوی تر شده و انگلیسها مثل همیشه شروع
کردند به نشر تبلیغات و دادن مواعید
فریبنده و بی اصل ، ولی خوش بختانه
نتوانستند افکار عمومی را افتتاح نمایند
تا بعد از حوادث خونین مجبور شدند برای
عراق بک سلطنت مستقل را پیشنهاد
و فیصل را که بایک وسیع بی نظیر و جاه
طلبی فوق التصوری خود را با انگلیسها
تزدیک کرده بود ، با سلطنت عراق نصب
نمایند تا بوسیله آن و یا ایجاد بک وضعیت
ظاهر فریبی بر اهالی را بخود مشغول
داشته و موقعیت خود را در تحت این رژیم
سست و موهون تحکیم نماید و مانند مصر
بک مملکتی را صحنه مطامع سیاسی و
اقتصادی خود قرار دهد خوش بختانه
احرار و متورین عراق مصر را دیده
بودند و می دانستند که با وجود بودن
(مندوب سامی) نمایندگی عالی انگلیس
آرم بانضمام قوای نظامی انگلستان
سلطنت امیر فیصل ، کابینه تقیبالان عراق
مجلس شوری و بالاخره تمام این قورمالینه
های که برای نشان دادن استقلال بین‌النهرین
انجام گرفته است استقلال آنها بک معنی
خیالی و ابدی حقیقت نخواهد داشت و از

همین لحاظ بود که اخیرا حکومت عراق
اصلا انتخاب داده و عین آن سیاسی
را که و توفیق الدوله برای اجراء قرارداد
در ایران معمول داشت میخواستند در
بین‌النهرین بموقع اجراء گذارند یعنی وکلاء
معمومی و طرفداران سیاست مستعمراتی
انگلیس را با سه نمایندگان ملت در بک
مجلس جمع کرده و سندر قیوت ملت عراق
را نمایندگی های عراق امضا کنند و بدربار
لندن قدیم نمایند ولی بک جنبش با شهامت
این نقشه را هم باطل کرد علماء اسلام
انتخابات را در تحت سلطه و اقتدار انگلیس
حرام دانسته و مسلمین را از مداخله
در امر انتخابات منع نمودند .

قریب سه سال است که بین‌النهرین
بایک نشیج خونینی دست بگریبان است
نوبهای آشکار انگلیس جوایمان رشید
عرب را هم آغوش خاک و خون میباید
نمایند عالی انگلستان ، احرار و متورین
را آواره شهر میکند . حکومت نظامی
احزاب سیاسی وطنی را از هم متلاشی
کرده کلوب آنها را میبندد و از دست جات
غلان و انکوفیل حزب تشکیل میدهد
و نفوذ استقامت و مقاومت آزادی خواهان
عراق روز بروز تقویت یافته نخوت و غرور
مل آنها را با استقبال حوادث خون آلود

تری آماده میناید - هر وقت اخبار
بین‌النهرین میرسد و از جریانهای اجنبی
آنجا انسان مستحضر میشود بی اختیار
بیاد آن زمان سعادت مند بک مسلمین بایک
روح شجاع و با شهامت و بایک مقاومت
خسته کی ناپذیری ، لواء دیانت را بدست
گرفته و بر معصومه جهان برافروشتند این
ثباتی را که امروز عراقها در مقابل
سیاست مستعمراتی انگلستان نشان میدهند
برجسته ترین سطور تاریخ آنها و بیاجاه
بک حیات مستقل و شرافتمندانه خواهد
بود . چیزی بک بیشتر این روح را تقویت
میناید ، و اعراب را برای دادن تلفات
خونین حاضر نمی کند ، پیشرفتهای
مهم کمال باثبات و آن سر مشقی است
که قائد شهر ترک بسیار مال اسلامی دریا
فشاری و عدم خضوع نسبت بمسادی
استعمار اجابت میدهد - مکتب اخیر
بین‌النهرین حاکی است که انگلیسها
باز دست خود را بخون اعراب رنگین کرده
اند ، و به قیمت خون هزار ها یکنساء
میخواهند سیادت خود را بر این مملکت
اسلامی بقولانند ، و از طرف دیگر قوای
علماء شیعه ، و جدیت احرار و متورین
و تمصب جیل رؤساء عشایر ملت عراق
را برای دادن قربانیهای سنگین حاضر

و آماده نموده ، و بخوبی از اوضاع انجا استنباط میشود که اعراب استقلال نام و تمام بدون اندک مداخله انگلستان را بر قیمتی بوده باشد میخوانند و بخوبی میشود پیش بینی کرد که معرکه ها و قتلگاه ها تجدید خواهد شد .

یکی از انتظاراتیکه مال مشرق زمین از مجمع اتفاق ملل دارد ، عطف توجه باین محنه های جنایت نماست ، آیا هیچ يك از قوانین دنیا بانگلستان اجازه میدهد که برای تحمیل سیادت سیاسی و اقتصادی خود يك مملکت مشرقی زمین را از خون هزارها افراد بشر نرنگد ؟

آیا مجمع اتفاق ملل تصدیق می کند این جنایتهای مدعی را که انگلستان در این قسمت از دنیا مرتکب میشود ؟ آیا ملل مشرق حق ندارند منتظر باشند قبل از رسمی کردن زبان اسپرانتو مجمع اتفاق ملل جلوگیری از این گفتارهای بی رحمانه انگلستان نمایند . انگلستان از بین النهرین چه میخواهد ؟ - انگلستان از بین النهرین منافع اقتصادی آرا میخواهد حق حاکمیت آرا میخواهد ، شرافت ملت آرا میخواهد حق حیات و زنده گانی ساکنین آرا میخواهد ، و فقط برای تقاضای های حریصانه خود يك دلیل دارد انگلستان

آز و پلان جبهات جنگی و توپهای مرگ بار دارد ، و همین دلیل میخواهد يك مملکت اسلامی را در استانه عظمت و تجارت خود قربانی نماید ، انگلستان تجهیزات جنگی دارد و همین واسطه صفحه بین النهرین را از آثار جنایات خود رنگین نموده است آیا وظیفه سایر مسلمین چیست ؟ آیا واقعا تماشا گاه بود ، و این برده های خبیث و صحنه خونین را بدون تأثر باید تماشا کرد - آیا این مسلمانهايیکه تمام شجاعت و شهامت آنها در تکفیر یکدیگر ظاهر میگردد نسبت باین قصاصیهای که انگلیس در بین النهرین می کند چه فکر می کنند ؟ افسوس ! !

مکانیب بین النهرین حاکی است که آن آشکاش که از جنیدی باینطرف مابین اعراب و انگلستان بود شدیدتر میشود ، زیرا باستانه معدودی انگلوفیل ها ، ملت عراق بر ضد سلطه و مداخله انگلستان میباشد و از طرف دیگر انگلستان برای تحکیم مقام آمریت خود بدست و پا افتاده است و ناچار منتهی بانقلاب شدیدی خواهد شد ، چنانکه در (شطره) زد و خورد شدیدی مابین عشایر و قوای انگلیس روی داده ، ولی بعقیده ما عاقبت فتح و ظفر نصیب احرار بین النهرین خواهد شد ، زیرا در طی

این رسال تمام کشمکشها به منفعت ملیون آنها خاتمه یافته است ، اگر چه تا کنون استقلال نام و تمام در بین النهرین ظاهر نگردیده است ، ولی همین استقلال ظاهری و همین پادشاه انگلوفیل ، و همین کابینه و همین مجلسی که میخواهند تشکیل بدهند در نتیجه مجاهدت ملیون پیدا شده است ورنه انگلیسها میل داشتند بین النهرین مثل هندوستان یا (زبلا ند جدید) بلکه يك درجه پست تر ، جزو ایالات امپراتوری انگلیس واقع شده شتون داخل و خارجی آن فقط باراده حکامی که از لندن فرستاده میشود اداره شود ، ولی مجاهدات های ملیون این نقشه منحوس را بر هم زده و انگلستان را حاضر کرده که بین النهرین را یکی از مستعمرات نیم مستقل خود فرار دهد ، یعنی پادشاهی و کابینه و مجلسی را در بین النهرین بشناسد ، ولی مندوب های بریطانی بسمت نظارت در حکومت شرکت نماید ، یعنی در حقیقت مبداء تمام احکام و مصدر تمام اقتدارات بوده باشد قبل از تشکیل حکومت عراق بشکل حاضر انگلیسها خیلی سعی کردند که بوسیله آراء عمومی سلطه خود را در بین النهرین باقی گذارند ، و خیلی کوشش نمودند که مسلمین پامارت يك نفر انگلیس در بین

النهرین رای دهند ، و بالاخره مسامی آنها عقیم ماند امروز هم میخواهند بوسیله انتخابات و تاسیس مجلس شوری شکل حاضر حکومت عراق را رسمیت بدهند ، لهندانه تنها علماء بحرمت آن فتوی داده اند ، بلکه از اطراف ، و اکناف بین النهرین روساء طوایف و عشایر و متنفذین عملی نیز متابعت خود را از آراء علماء و اعتراض بر ضد مظالم انگلیس رسماً اعلام داشته ، و تصور می کنیم این هیجان مقدس که بروح اهالی مستولی شده است جز بمنفعت آنها و گرفتن استقلال نام ، و تمام خاتمه پیدا نکند - (شفق سرخ)

معاونت خانی

(تاسیس مکتب)

را پوریکه (ص) مدیر معارف میمنه بوزارت جلیله معارف ارسال داشته مشعر است که در علاقه داری (تکاب و شرین) در قریه (جاتقره) باصرو اجازه وزارت معزی الیها ، و سعی و کوشش (ع ، ع ، ص) صالح محمد خان حاکم اعلای میمنه ، مکتبی به نام (مکتب مکرمت) تاسیس گردیده و عده طلبه آن تصدق فرورسیده است .

(دزدی عجیب)

شب چهار شنبه ۲ حوت از اداره محاسبه وزارت معارف که در (کونی مانجیه) ارک مبارک مقام دارد ، صندوق فولادی قدیمی که در آن مبلغ هفتصد پوند و پنجاهزار روپیه و یک لیره امانیه بود ، دزدیده شده روز مذکور در نجس و تحقیقات صرف مساعی شده روز پنجشنبه که بیابیدن اطراف و نواحی دایره مذکور قیام نمودند صندوق فولادی آرا از یک زیر خانه (حرم سرای) که آنجا وزارت مالیه و باقی وزارتها جاگزین اند ، شکسته یافته اند بنابراین چند نفر بابت آن توقیف و در زیر تحقیق اند .

(ایضاً)

شنیده شد که از وزارت حریه هم باختلاف روایات از پنج تا دوازده هزار روپیه دزدیده شده

(پروگرام دوره اعلیحضرت)

(سمت مشرقی)

(اول) بطرف کترها : روز ۱۴ حوت ذات مبارک شاهانه بسواری موزن نابه شیوه و از آنجا بسواری اسپ به (نور گل) تشریف می برند بهمین روز مامورین ملکی و منصبداران نظامی و کلان شوندگان و رعایای کترها شرف حضور ملوکانه حاصل مینمایند

شب و روز یازدهم و شب شانزدهم حوت را نیز در نور گل میگذرانند ، روز شانزدهم حوت از نور گل واپس در جلال آباد تشریف فرما گردیده یک روز دیگر هم بجلال آباد توقف مینمایند .

(دوم) بصوبه که : هجدهم حوت

ذات ملوکانه بسواری موزن درو که نزول اجلال نموده ، در آنجا مامورین و کار و رعایای (سنوار) شرفیاب حضور شاهانه گردیده از آنجا اعلیحضرت غازی در غنی خیل تشریف آورده ، شب را در آنجا توقف مینمایند روز نوزدهم از غنی خیل واپس در جلال آباد عزورود افکنند روز بیستم را هم بجلال آباد توقف میورزند (سوم) سمت ماما خیل :

(۲۱) حوت مومک مسعود شهر بازی

بسواری موزن در ماما خیل شرف ورود فرموده همه مامورین و معتبرین رعایای ماما خیل بسلام حضور مبارک استعجاب می یابند و شب را اعلیحضرت هابونی هاجما میگذرانند

(۲۲) حوت ذات شو کتبات

شهر بازی بسواری اسپ از ماما خیل (جوگان) حصارک عاجائی تشریف می برند مامورین و کلان شوندگان و رعایای آن علاقه در آنجا بشرف حضور خسروانه قافز گردیده ، شب واپس ماما خیل تشریف می آورند

(۲۳) حوت اعلیحضرت شاهانه از ماما خیل (برکی خیل) بسواری اسپ تشریف برده بعد شرفیابی مامورین و اهالی آنجا بحضور خسروانه واپس ماما خیل تشریف فرما میشوند .

(۲۴) حوت مومک مسعود ملوکانه

از ماما خیل به (زاوه) تشریف می برند همه مامورین و کلان شوندگان و رعایای آنجا شرفیابی حضور مبارک را حاصل میدارند ، بعد از باز رسمی احوال رعایای صافه به ماما خیل که مرکز آن علاقه است شب را میگذرانند .

(۲۵) حوت ذات شاهانه به (کجه)

تشریف برده معتبرین و رعایای کجه شرفیاب حضور مبارک گردیده ، از آنجا بوزیری تشریف می برند ، بعد شرفیابی اهالی بحضور مبارک بهمین روز از وزیری به (ناله) تشریف فرما گردیده شب را به ناله گذرانند روز (۲۶) از ناله واپس به جلال آباد تشریف فرما میشوند .

ورود آقای غلام محمد خان

در شماره گذشته راجع به آتمام تحصیلات آقای غلام محمد خان مدیر مکتب صنایع نفیسه وطن عزیز مان ، دکامیایهای شان دارشان در امتحانات دارالفنون بای نخت المان ، چیزی نوشته بودیم و وطنخواهان

را مرزده داده بودیم که جناب مشارالیه در همین هفته وارد کابل می شوند ، همان بود که بموجب اشاره وزارت جلیله معارف آقای فتح محمد خان مدیر دایره تنظیمات وزارت معارف بفرض قدردانی از معظم له یک مجلس تشریفات ، در وزارت جلیله معارف ترتیب ، وسائر مدیرها و سر معلمها و اعظام معلمین مکاتب را بحضور در آن مجلس دعوت داده بودند . روز سه شنبه (۸) حوت همه دعوت شده گان و جمع غفیری از شاگردان به ساعت (۱۲) روز در وزارت معارف جمع گشته چشم بر راه انتظار نشسته بودند که به ساعت (۱) آقای مدیر صنایع نفیسه بسواری موزن وارد شدند اولاً باشا گردان که دورسته بر کنار سرک صف بسته احترام بودند و باغای مراسم تعظیم و ابراز مسرت و بهجت نمودند احوال رسمی و اظهار ملاطفت و شفقت کرده بعد داخل مجلس گشتند و با سائرن به مصافحه و معاافه قیام نمودند ، عموم حاضرین بوردشان خوشی ها و شادمانها کردند . بعد از ختم رسم مصافحه ، هر کس بر کرسی خود نشسته به صحبت و جای نوشی ، و صرف کلیچه و شیرینی مشغول گشتند . در بن آستانه یکدسته از نو باوه گان

مکاتب به سرودن و سوزیکه بنواختن ترانه ملی افغانی آغاز نهادند.

بعد از تمام شدن ترانه جناب فضائل انتساب محمد حسین خان صاحب مدیر مدرسه حبیبیه به ابا ایستاده اعلیٰ بنی بر اظهار تشکر از معارف پروری اعلیٰ حضرت غازی، و تقدیر کلمات و هنر اندوژی آقای غلام محمد خان ابراد نمودند. چون جناب مدیر صاحب ختم کلام کردند، جماعت از شاگردان شیرین الحسان بخواندن يك منظومه (خیر مقدم) زمزمه ساز و موزیقه با آن هم آواز گشت بچشم این منظومه يك نشیده ملیه (پشتون پشتون) خوانده و نواخته شد. به اتمام این نشیده آقای غلام محمد خان بشکرانه مراسم اعلیٰ حضرت و اظهار امتنان از حضرات حاضرین قیام و به دعای از دیاد ترقی و شوکت دولت و ملت افغانستان مجلس را اختتام دادند.

انحاد مشرقی

جریده فریده اتحاد مشرقی از تأییدات باری و مراسم شهر یاری به اتمام دوره سال سوم، و آغاز بدوره سال چهارم خود موفق گردیده (امان افغان)، آقای محترم مدیر و سائر کارکنان اداره آن جریده را باین موفقیت شان نهانی میفرستد، و

سائر معارف دوستان را بشارت میدهد که جریده مذکور در سایه معارف خواهانه اعلیٰ حضرت غازی نسبت به گذشته اش و نما. زیبایی و اعتلا یافته ازین بعد در هشت صفحه به يك آب و تاب نازم با خط خوشناو کاغذ مجلا رونق افزای عالم مطبوعات میگردد بنام علیه وطن خواهان را به اشتراك آن ترغیب و تا آید می نمایم.

ورود وزارتها

وزارت جلیله خارجیہ روز جمعه (۱۱) حوت و دیگر وزارتها روز شنبه (۱۲) حوت مع الحسیر و العافیہ وارد کابل شدند.



نرخ اشیا و مواد خورا که

از مراسم خداوندی اشیا و مواد خورا که خیلی وفور دارد، هرچه ضرورت و بکار و محتاج به انسانی است الحمد لله بکثرت در بازارها موجود میباشد، نرخ آنها نیز ارزان است، چنانچه درین فقر زمستان بقیمت های ذیل خوش رضا خرید و فروش میشود.

شمار	نام اشیا	بموض بکر و دیده
۱	آرد کندم	باو کم نیمیر تا نیمیر پوره
۲	برنج لك	پنج باو
۳	برنج بار يك	چهار و نیم باو تا پنج باو
۴	ماش	چهار و نیم باو
۵	تیل سیاه	خورد کم نیم چهارك
۶	گوشت کوسفند	سه باو
۷	دبیه	خورد کم نیم چهارك
۸	روغن زرد	يك باو
۹	قند سیاه [گر]	يك چهارك تا چهار و نیم باو
۱۰	نخود	دو نیم باو
۱۱	کشمش	سه و نیم باو
۱۲	نوت	يك و نیم چهارك
۱۳	قند سفید	پنج و نیم خورد
۱۴	گوشت کاو	يك چهارك و نیم باو
۱۵	نمک طعام	باو کم نیمیر
۱۶	ذغال	يك سیر
۱۷	چوب سوخت	دو سیر
۱۸	آلو بخارا	سه و نیم باو
۱۹	صابون	يك باو نیم خورد
۲۰	تبا کو	يك چهارك

ترکیه و متفقین

لائحه جوابیه ترکان را برخلاف امید و آرزوهای عموم متفقین تسلیم نکردند. در منزل لاردر کرزن مجلسی انعقاد یافته چهار نفر از اعظم مندوبین حاضر بودند، در این مجلس بمبارد مندوب فرانسه وضع عداوت کارانه بروز داد. از سیاهی او ظاهر میشد که به عقیده او رعایتها یک عصمت پاشا در لائحه جوابیه تسلیم نموده منافعی عموماً راجع به انگلستان است، و این معنی دلالت دارد بر بی اهمیتی فرانسه در نظر انگلیسان، لهذا برای اینکه وقار انگلیسها نیز کم بشود، بمبارد در مسائل اقتصادی که فوایدش در حق فرانسه بیشتر است، خواهش بعضی رعایتها نموده است؛ نمائنده فرانسه تقاضا نموده است که آن همه کپنیهای (شرکتهای تجاری) عثمانی که عنصر سرمایه فرانسوی جز آنها غالب است، کپنیهای فرانسوی تسلیم شوند تا از اثر اقتدار حکومت عثمانی محفوظ بمانند کپنیهای راه آهن، بناد و اناطولیه که از سرمایه جرمنی قائم شده اند، ترکیه از جرمنی پس گرفته، بمتفقین حواله کند. برای تنظیم عسکرات بحری و قرضه عمومی و تجارت ساحلی، انگلستان و متفقین مخصوصاً فرانسه، همین خودها را ارائه

نموده اند (در اینجا بعضی نکات تیلدکراف بحری غلط و حذف شده است. لهذا فقره مذکوره ب معنی معلوم میشود.) متفقین این را هم خواستکار شده اند که آن همه امتیازاتیکه باب عالی بعد از متارکه و در وقت استیلاء و تصرف متفقین بر باب عالی ب آنها اعطا نموده بدون بحث و تنقیح تسلیم شود. عصمت پاشا جواباً اظهار نموده که ترکیه در منتهای فراخ دلی رعایتها و امتیازاتی که ممکن بود، همان است که ابراز نموده و زیاده بر این امید رعایت از ترکیه، بالمره عبت و غیر ممکن است. لاردر کرزن از او پرسید که در این حال نتیجه چه خواهد بود؟ عصمت پاشا فرمود که اراده ها و نظریات ترکیه آشکار است و چون که ترکیه تا اینوقت مصراعات بسیار اظهار کرده و قربانی های پیشمار داده، لهذا افکار عمومی ترکهارا معاند صالح و امن قرار داده نمیتوانند، بمبارد هم از عصمت پاشا پرسید که آیا نتیجه برهم خوردن مجلس چه خواهد بود؟ بجواب او عصمت پاشا متاسفانه گفت: آن که در لوزان هر فرقه حرکات و عملیات سیاسی را طوری اظهار و ارائه می نماید که مسئولیت را از دوش خود دور می اندازد، حتمی است

که جوانان بیست ساله و سی ساله بیوجیب خود را قربان کنند. مندوبین دول متفقه گفتند آیا برای السداد این مصائب، شما کوشش و جهدی می نمائید؟ عصمت پاشا فرمودند که قدر و قیمت حیات انسانی را من خیلی حس میکنم، و همین وجه بود که متارکه (مدانیه) را قبول کردم و پیشقدمی و ابلغاریک عسکر مظفر و منصور را توقیف نمودم، و این عمل من دلیل است بر حسبات نوع انسانی که در دل دارم پس اگر زیاده بر این خونهای ناحق ریخته شود مسئولیت آن عائد به سیاست و تدبیر اروپاست

وقایع نکار خصوصی جریدنر بهائی (کراپسکل) که بیان فوقی را او اخبار نموده میگوید: مندوبین فرانسه چنین انرا و اشاعه کرده اند که اختلاف ترکان باغیار از باعث مسائل (امتیازات اجانب) است، و مقصودشان ازین افواه کذب این است که تأیید افکار عمومی را در عدم ملاحظی خود حاصل کنند.

وقایع نکار موصوف می گوید که من بعصمت پاشا ملاقات کردم، در ضمن صحبت فرمودند که در مسائل عدلیه و قضائیه که مربوط به مسئله امتیازات اجانب است چندان اختلافی نبوده، البته در مسائل اقتصادی مشکلات پیدا شده بود. و نیز

فرمودند که من سکون و آرامی را خیلی می پسندم، در همه مسائل راجع بمحدود مملکت هرگونه شدائد و ناگواری صابرا قبول کردم، لاکن برای تسلیم شرائط اقتصادی بهیچ صورت حاضر نیستم، چرا که در صورت قبول کردن این شرائط ترقی ممالک من در استیصال حال است.

وقایع نکار مذکور مینگارند: در قضیه (آیا جنک خواهد شد؟) عصمت پاشا فرمود که امروزه جمهور و برهنه تنقید میکنند و در هر کار و روای حکومت تصریحات و توضیحات میطوایند، اگر جنک شروع شد، بعصمت ترکیه صراحتاً میگویم که برای قیام امنیت رعایتها بسیار دادم و در همه امور تخمیلات شاقه را قبول داشتم لاکن غلامی اقتصادی مملکت را بهیچ صورت قبولدار شده نتوانستم. من از عصمت پاشا پرسیدم که آیا نتیجه و مؤدای برهم خوردن مجلس، جنک است؟ فرمودند که بک ماده از ماده های معاهده مدانیه این است که متارکه جنک تا انعقاد و مجلس مصالحت و جریان مذاکرات و مفاوضات برقرار می ماند.

مستربوز لاردر پارلمان اظهار نموده است که لاردر کرزن بترکان کمال نوع خواهی و همدردی ابراز نموده، و چنین

می گنم که ترکان معاهده را امضا می کنند
و بر این هم معتقدم که هیچ صورت اندیشه
چنگ نیست .

بازند ۱۰ فروری وزارت معمرات
برطانیه در این مسئله غور دارد که ترکهارا
در عراق و فلسطین با هم با یکجا نموده اجازه
داده شود که ریاستهای متجدد قائم دارند
(زمیندار بحواله سقیمین)

فرانسه درعلاقه جرمنی

درعلاقه جرمنی که فرانسه احتلال
نموده است اهالی و ارباب جراندرا زیر
فشار های سخت آورده بسیاری از
ارباب جراند و معلمین و دیگر مامورین
و تجار را کشیده و بسیاری را بندی کرده
و اکثر جراندرا توقیف نموده و دخول
جراند جرمنی را درعلاقه محمله منع کرده ،
بحای مامورین جرمنی مامورین فرانسوی
و با بلجیمی مقرر نموده اهالی هم مظالم
می کنند و لائعاون را شدت داده در تمام
کشور جرمنی با فرانسوی ها و با بلجیمیا
مقاطعه شده ، کسی با آنها صحبت و داد
و گرفت و خرید و فروخت نمی کند ، فرا
نسوی ها و بلجیمیا ازین رهگذر به تکلیف
اند . از احتلال هم چندان فائده که تصور
داشتند نبرداشتند مذاکرات هنوز در باب
مسئله تاوان جایز است اکثره خیال دارند

که حل مسئله مجلس مجمع ملل مفوض
شود . چون که از جرمنی برای فرانسه
چیزی نمیرسد . وزارت مالیه فرانسه دولت
را به استقراض (۱۳) ملیار فرانک (هر
فرانک در اینوقت برابر یک یقمران کابل
است تکلیف نموده است

مصر

یک خبر تلگرافی قاهره مظهر است که
در مسکر برطانیوی ریک خیمه یک بم افتاد که
دو نفر برطانیوی و یک نفر مصری را هلاک
ساخت این عسکر برطانیوی مامور بود به محو
فقط یک علاقہ قاهره که چندی پیشتر
در اینجا خونریزی بوقوع رسیده بود .

(محصلین بخارانی در اوروپا)

یکی از چیز هاییکه برای بیداری
مشرقیان و آئینه نیک آنان ما را امید
وار می کند همان معارف خواهی زمامداران
خدمت گذار ملت با وجدان مشرقی میباشد
از ان جمله زمام داران افغانستان که به
کمال جدیت این راه مقدس را برای نجات
ملت خود از پریشانی و احتیاج طبعی مینمایند
با وجودیکه ثروت مملکت شان امروزه
اجاره این گونه مصارف یعنی فرستادن
محصلین به اوروپا را نمیداد ولی این تلخی
ظلمتی که یک شیرینی آئینه را هم
داراست قبول کرده اند

اند و نیز مصارف پنج ساله آنان را در
بنک گذاشته اند .

ما هم این اراده سرا سر سعاده
برادران بخارانی خود را که نمکوشی
استقبال بخارا و حسن مآل عالم اسلام را
ایجاب می کند دوستانه و صمیمانه تقدیس
و تبریک میکنیم (امان افغان)

مراسلات از لغمان

آقای محترم مدیر جریده و حیده امان
افغان دامت فیوضاتهم ا

اگر بچشم انصاف و دیده حقیقین بنگار
های جلیل القدر خیرت قرین امیرغازی
دقت شود ، انسان محو و حیران مینماید
که نام خدا ا خدا بان شاه دل آگاه چه
فهم عالی و فکری رسا ، و بکدام پایه ملت
خواهی اعطا فرموده !!

سبحان الله ا این اعلیحضرت جوان
همت حقیقتاً یگانه نعمت خداوندی است
که با ملت افغان از مراسم بنده پرورانه
خود عنایت فرموده ، وجود کرامت
آمود شاهانه چه قدر ملت دوست ، خادم
نواز ، نو کر پرور ، و بجه اندازه سخاوت
پیشه و بلند اندیشه اند که هر قدر به ملوحت
و سرفطرت شان فکر کرد و انی شود ، خیال
نیکو مالشان بقصور کنجا نیده نمیشود
از حین جلوس زرق مانوس شاهانه
شان تا این ساعت ، کدام روز است که

خو غمبختانه همسایه دیگر هم بزمامت
زکستان هم بواسطه بر طرف شدن زمام
داران ناقابل و تقیر رژیم منحوس استبدادی
امروزه قدم های وسیعی برای زندگانی
نازه و دفع امراض جهل و نادانی معارف
خود را بیشتر از هر چیز اهمیت داده اند
و قریب شصت نفر از اولاد های عزیز شان
را به مرکز اوروپا (المانیه) فرستاده اند
ما این اقدام وطن خواهانه و ملت دوستی
زمام داران نازه بخارانی را صمیمانه
تبریک و توفیقشان را از حضرت رب العزت
جل شان خواستاریم .

و امید است که اوضاع اسف انگیز
عهد زمامداران جاهل ملت خراب کننده
را همیشه نصب العین خود قرار داده تا آن که
زودتر خود را به شاه راه هدایت و نجات
از فشار اجانب و دشمنان وطن و احتیاج
خلاص نمایند و نام نیک خود را در تاریخ
یادگار میکنونی بگذارند (آزادی شرق)

بنا بر اظهار یکی از دوستان که نازه
از برلن وارد شده اند زمامداران بخارا
هم ، به تقلید زمامدار اعظم افغانستان
محصلین بخارانی را خود سر و بی رهبر
نگذاشته و یک نفر مفتش و یک نفر معلم
دینیات و یک نفر دا کتر با آنها فرستاده

يك خارقه سعادت آیت مراسم کسری
از وجود رفت نمود شان ظهور نیافته
و کدام ساعت است که يك بارقه کرامت
علامت رعیت پروری شان بنصه شهود
نه پیوسته؟ هر روز بطرحی و هر شب
بشمی در رفاه و آسوده حالی افراد و
ابتنای وطن ابراز ملاحظت میفرمایند .
از شیوه مرحمت و الطافیکه : آسوده
حالی مسافرین هر کاب ذات شاهانه شان را
مطمح نظر فیض منظر گرفته اند علاوه
بر مصارف مایحتاج چند ماهه خانواده
خدمه و عمه سفری که در حین رهسپاری
انعمان بذل محنت فرموده بودند . اینک
مخارج خوراک همه اشخاص را که بحسب
مویک هایونی در سمت مشرقی کسب
شرف دارند ، متکفل گشته نقری را
ازین وجف و بخت و ساخت ، تفکر و
تدبر باز چاشت بی نیاز فرموده اند .
و از آنجا که یکی از لوازم حفظ صحت
هوا خوری و میوه خوری شماریده
میشود ، و استنشاق هوای تازه و خوردن
میوه های پخته . سبب فرحت و ادامه
صحت و کوارانی طعم میگرد ، اعلیحضرت
شهریاری از کمال غمخواری لکنه حفظ
صحت عمومی افراد و ابتنای ملت عزیز و
وطن مقدس شان را منظور نظر حکمت
اندر داشته ، باغ فرحت سراغ لسان را

نامیوه اش وقف هوا خوری و میوه میوه
خوری عموم قرار داده اند چه باغ ۱۲
باغیکه بهر طرف کاهای رنگارنگ شکفته
ترکس جهه آدای خیر مقدم واردین چشم
ز راه مانده ، زینق زبان بخوش آمدید با
کرده ، نافرمان از چرب زبانی زبان از
پشت سر کشیده ، همیشه بهار از قدیم
تاشایان از عیش برخوردارید ، اشجار
سر سبز چون مویز بهار کابل لا فرط
خرمی جادر خضرا بسر کشیده ، سرو
باقامت دل آرای خود یکجا بخدمت
ایستاده ، نارنج از کمال خوشی نارنجی
شده ، یاسمین ... و کلاب ... و شب بو
وجه وجه و چه ... از روانی پانی
هوا و فضا را مطر ساخته . همیشه عصر به
انسان وارد آن کالستان جنت لسان
میکردد دل نشاط و فرحت بی اندازه
یافته روح و روان تازه گشته چنان
حظ می بردارد که گویا بدریای فرحت
و بهجت شناوری دارد .
هر کس بعد فراغ از خدمت محوله
بوسی این باغ راحت رسان می شتابد کسی
از نشستن به پیش کاهها ، و کسی از دراز
کشیدن بر آرام جو کبها و کسی از چیدن
و خوردن میوه ها و کسی از قدم زدن
بر روی سبزه ها لذت می بردارد و بهره
میکبرد مخصوصاً در اوقاتیکه ذات مراسم

صفات هایونی رونق افزای باغ بوده باشند از
انظر های شفقانه و ملاحظت های خسروانه
سرور و نشاط همه را دوبالا میسازند .
و نیز برای تفریح طبع عموم و رفع
کسالت عموم يك تماشاگاه قشنگ دیگری
زیب داده شده که شبانه ، آن همه کسالت
و ماندگی روزانه ، از رفتن به آنجا يك
راحت بفاشت تا کی تبدیل می یابد و از
ذله کی و کوفته کی اثری بخاطر و احضانیماند
پیش با این مراتب لطف و احسان
اعلیحضرت ولی نعمت مهربان زبان از
بیان شکر آن کو تاه است ، محض اعتراف به
نوازشهای ملت پرورانه شان که آن هم
يك گونه لشکر بحساب میرود به تحریر
این چند سطر ا کفتا و رزیدم ۲۲ جدی
(میر محمد جعفر کاتب بودجه)

مقاله مخصوصه

اثر دین در اتحاد

در قوانین مقدسه آسمانی و دستور
های مهمه خداوندی ، خاصه (دیانت
اسلام) يك جاذبه و دادیه و يك قوه
اتحادیه موجود است که اگر آن قوه
در يك جامعه حکمفرما گردد ، آسای هر گونه
تفاق و اختلافی را در هم شکسته ، آن جامعه
را معنائاً يك اتحاد صمیمی مقهور مینماید
چرا که قوانین سیاسی بر اتحاد های پلنیکی

و جسدان هیچ جمعی را نمیتوانند محو
و محکوم نموده در موارد خفیه (ولوری
منافع شخصی) نگاهدارد ولی در مورد
دیانت و جسدان هر انسان متدینی از حدود
خود تجاوز نه نموده در اشکار و پنهان بر
يك نهج اثر خود را جاری میدارد .
پس در جامعه که افراد آن خود را
محدود محدود دیانت میدانند ، و جسدان
آنها اجازه باختلاف تضائق نداده بلکه
آنها را عبور با اتحاد مینماید این اتحاد
(اتحاد دینی) که توأم با سیاست حقیقی
و مصالح واقعی است ، اگر برزند کانی
يك جمعیت سایه انداز گردد ، مطلقاً آن
جمعیت را از هر گونه مخاطره باز میدارد مثلاً
انسانهای چند هزار سال قبل ، خاصه
جمعیت (بنی اسرائیل) که در يك محیط و
بریت و توحش و فساد اخلاق و اختلافات
شدید پرورش یافته ، بعد از یونی از دین
و تربیت بهشام آنها رسیده بطور اطلاق
فاقد هر گونه احساسات اخلاقی زندگان
می نمودند ، وقتیکه بد بیضاه (موسی
ابن عمران) دران جامعه عیسایی خطر
ناک طلوع نمود و عنزم ثابت آن نماینده
صاحب عنزم خدا متوجه تربیت و توفی
آنها گردید ، دیری نگذشت که رشته
اتحاد افراد مختلف و متوحش ، از اثر تربیت
موسوی و پیروی شریعت او بجان محکم

و مستقیم گردید که در مقابل طوت و
جباریت قاهره فرعون که از عظمت اقتدار
و حضور اختیلا و سلطنت ، دعوی الوهیت
می نمود و افراد آن مردم محکوم بصودیت او
بودند (برابری نموده بالاخره از تاثیر همان
انعام دین بسلطه الوهیت و رایج داده و
تا سلطنت و قدرتش را با شخص خود او سپاه
و بندگانش مستغرق در بای عدم نمودند .
آری روز این آثار عجیب و قدرت
فیریب اذان جمیت ، از بر تو شریعت و
دیانیت موسی بوده آن دیانت سائمه و آن
سیاست دینی آن جمیت را در زیر سایه
خود متحد نموده و سلطنت (یعنی اسرائیلی)
سرافراز و به کار های بزرگ موفق نمود .
و هم چنین هر دیانتی که دارای جامعیت
و وجهیه سیاست باشد ، اعضای خود را
مقهور به اتحاد و موفق بحکومت خواهد
نمود ، چنانچه در بدو اسلام از اثر جمیت
این دیانت مقدسه ، عده قلیل مسلمین
سبب رسالت دنیا موفق و مثل گردیدند
پس اگر بنگریم به انسان بصیر بالاصاف
بلك نوجه دقیقی به زوایای دسا نموده ، و
بالفلسفیرت و تدبیر اوراق شرایع و جوامع
دینی دنیا را بر هم زده و بدقت مطالعه
نماید ، تصدیق و اعتراف خواهد نمود
که بلك حقیقت روحانی (دیانت) که دست
خودمانی بکار سیاست بلك ملتی برده و

بالمطابقه امور زندگانی آن ملت در ترتیب
روحی اداره کند جز دیانت مقدسه
(اسلام) موجود نیست چرا که این
قانون شریف در ضمن هر یک از احکام
خود ملت خویش را بلك نکته سیاسی
آگاه نموده و قهراً امور همیشه آن را
در کمال خوبی ترتیب میدهد (این داره)

(اخلاقیات)

میل های قوه شهویه

حضرت حکیم علی الاطلاق و خالق
افس و آفاق چندین کوه قوهها و ملکها
در فطرت و طبیعت نوع شریف انسان نهاده
است و اگر غور شود ظاهر خواهد شد
که آن قوهها عبادت است از میلیها و
خواهشهای موجب جنب فواید و منافع
و تنفیرها و کرامت های باعث دفع و طرد
مضرات ، و تحذیرهای مستوجب صیانت
و حفاظت و آثارها و افعال نصاب
مستلزم تعاون و توازن همین میلیها و تنفیر
ها و تحذیرها و آثارها ، اصول اخلاق
و ریشه های سجایی افراد نوع انسان
است . و هر یکی از آنها در حفظ حیات
شخصی و صیانت وجود نومی ، استحصال
ضروریات همیشه و اکتساب زندگانی
بهریج اکل بمنزله عضوی و جارجمه میباشد
و چنانچه قشمان بعضی از حیوانات
و اعضا موجب قشعی در زندگانی

و اعدام برخی بسبب عدم قدرت در استحصال
ضروریات و لوازم حیات ، و فساد پاره
بفرضی هلاک و زوال صفتی باعث اضمحلال
نوی خواهد گردید همچنین است حال
آن اصول اخلاق و ریشه های سجایی
ولاکن بشر طریقه علی الدوام تحت مراقبه
عقل بوده از حدود طبیعی و مقتضیات
فطره تجاوز نکند ، والا فواید آنها
بفاسد بدل شده موجب هلاک شخص
و پایداری هیت اجتماعی باضیق در همیشه
زندگانی خواهد شد . چنانچه :

(میل خوردن و نوشیدن و از دواج)
باعث جلب بدل یا ماخلل ، و موجب
توالد و تناسل است ، و بدون این قوه
بایداری نوع ممکن نباشد ، و لاکن چون
بسبب سوء تصرف بسرحد قلبه و شره
برسد مستلزم فساد مزاج و حصول امراض
و در غالب اوقات باعث هلاکت خواهد
گردید ، و بسبب اهلاب شره و غلبه
همیشه بحقوق دیگران تعدیه خواهد
نمود و از برای قضای شهوات خودها
انواع مکرها و حیلها و خدعه ها بکار
خواهند برد و اگر از اصحاب اقتدار بوده
باشند حیرا از روی قهر و غلبه حقوق
ضغایر و برستان را تصرف خواهند کرد .
والبت چون این صفت شره و غلبه عمومی شود
موجب فساد هیت اجتماعی خواهد شد .
(میل حیات و حب زندگانی) مقتضی
بناه تصور و مهارت و دعامی را نشاء مدن

و قصبات و قرهها است که زیب و زیور
المسابت است و جمیع صنایع فنیسه و حرف
نافسه بواسطه همین میل بظهور رسیده
است همین میل و هجت حیات است که
الساها را بران داشت که از خواص معادن
و نباتات و حیوانات بحث کنند و آثار
زمان و موصیها را دریافت نمایند و طبایع
اراضی و مزاج آنها و هواها را فهمند
و حرکات کواکب و قمر و بعد آنها را
استنباط نمایند . پس بدون این میل نگاه
نوع انسان متمرد خواهد بود .

ولی چون حب حیات بسرحد افراط
رسد در بعضی اوقات مستوجب هلاکت
خواهد گردید ، چنانچه لشکریان بزدل
بجهت فرط حب زندگانی از میدان حرب
گریخته که جانی بسلامت برند ، و این امر
موجب جرأت و اقدام دشمنان شده آنها
را بزودترین وقتی بوادی هلاکت میرسانند
و در بعضی اوقات مستلزم این میشود که
مفرطین در محبت حیات به ذل مسکنت
و عبودیت مبتلا گردند ، و باطن بریشان
حالی و فقر و فاقه طوق اسیری برکردن
نهند ، و این دران وقتی است که بسبب
کران جانی و محبت زندگانی از قوم و وطن
خودها دفاع نکنند -

(میل محبت ذات) موجب آن است
که انسان در استحصال منافع خویش
بکوشد و بقدیر طاقات خود اسباب راحت

و قاضی زندگانی را اکتساب عاید و خود را به مرتبه‌های شریفه و مراتب عالیه رساند. ولی اگر محبت ذات از حد مجاوز کند باعث آن نخواهد شد که صاحب آن صفت منافع خود را بواسطه ضرر دیگران بدست آورد و حقوق عباد الله را به باطلهای خود ابطال کند و البته اگر متصفین باین صفت بسیار شوند امنیت مرفوع شده سلسله انتظام هیئت اجتماعیه منقطع خواهد گردید.

۲- (میل برزخ و نفوق بر دیگران) در کالات صورتی از مویه انسان را بر جسد و احادی دعوت میکنند و به آن سعادت و نیک بختی در جهان حاصل میشود و بدون این میل مراکز محلات انسانی بظهور نخواهد پیوست. و اختراعات عجیبه و فنون عرب لباس هستی نخواهد پوشید و مزایای جلیله انسانی و قوای عظیمه که در بشر ریشه نداشته شده است بموقع مرسوم جلوه نخواهد داد. بلکه اگر این میل نباشد انسانها باول درجه حیوانیت مانده از عقل و ادراک خود مایه نخواهند گرفت پس این صفت محرك اوست بسوی اسباب نیک بختی و بشرطیکه در نزد ارباب عقول ناقصه تکبر منجر نشود و نفوس خسیسه آن را مبدل بمحسب سازند.

و اگر این میل نفوق بقره تکبر رسد، اول مفسده که بران مقرر میشود توقف حرکت انسان است بسوی معالی زیرا اگر شخصی را معلوم شود که مزایا و فضائل بشر به او باطنی نیست، و کالات و رقیات السائیه را حدی نه، هیچ وقت او را بسبب فضائل و کالات و غنی و ثروت و قوه غلبه خود تکبر حاصل نخواهد شد پس تکبر انسان را وقتی حاصل می شود که کان کمال و تمامی در خود انعامد، و این عین توقف و سکون است، و تباهی دویکی از او بظهور میرسد قطع روابط عالم انسانی و شکستن ارکان قوام السائیت است، بجهت آن که، روابط السائیه یکدیگر و قوام السائیت ایشان عبارت است از افاذه و استفاده و تمادن و توازر و سلوک مایکد کر، و چون صفت تکبر در کسی متمکن شود، از جمیع این امور دوری گزیده از معاشرت و معارف با دیگران گمناره خواهد گرفت، و در این صورت وجود او در عالم انسانی بی فایده و بی غمرو کالعدم خواهد بود، و اگر این وصف عمومی شود، لاعماله روابط السائیه منقطع شود ارکان قوام السائیت منعدم خواهد گردید.

در جهاب خانه حروفی دار السلطنه کابل طبع گردید.